

مصاحبه با حسین پوبصیرت صاحب فروشگاه لوازم خانگی

توسط ابوالفضل مغربی عضو همیار کار آفرین

از دبیرستان شهید حسینی

مقدمه :

جناب آقای حسین پوبصیرت ، این کارآفرین عزیز در منطقه ای از تهران در نزدیکی میدان انقلاب یک لوازم خانگی فروشی بزرگ دارد . که به کار در آن مشغول است . و صاحب امتیاز آن خود او است . و یکی از موفق ترین فروشگاه های لوازم خانگی این منطقه است . که گفت و گو با ایشان را آغاز می کنیم .

سلام ، آقای پوبصیرت ، اگر مزاحم وقت جنابعالی شدم مرا ببخشید . قبل از اینکه مصاحبه را شروع کنیم لازم می بینم که دلیل حضورم را برایتان توضیح دهم . من در دبیرستان شهید حسینی درس می خوانم و در یک دوره آموزشی به نام همیار کارآفرین شرکت کردم که در این دوره یاد گرفتیم که با دید بازتری به اطرافمان بنگریم و تمام مشکلات و کاستی های اطرافمان را بهتر بتوانیم ببینیم و بشناسیم ، زیرا همین کاستی هاست که موجب خلاقیت می شود و خلاقیت در نهایت به کارآفرینی می انجامد . در پایان دوره هم باید با یک کارآفرین موفق مصاحبه کنیم که به همین دلیل من مزاحم اوقات شریف شما شدم .

حال کمی از شرح حال خود پیش از شروع کارآفرینی برایمان بگوئید :

من قبل از داشتن این مغازه و شروع به این حرفه ، یک حقوق بگیر سازمان بیمه بودم و خیلی درآمد کم بود و جواب آرزوها و مایحتاج من را نمی داد. پس به فکر یک کار خوب و پردرآمد افتادم. و پس از فکر و تلاش فراوان به این حرفه روی آوردم.

آیا برای خودتان یک الگوی مشخص دارید ؟

بله ، صددرصد هر فرد برای خود الگویی دارد و من نیز از این قاعده مستثنی نیستم . الگوی من عمومی است که مردی بزرگ ، پرتلاش و با خداست.

آیا تجربه نظامی ، آموزشی هم داشتید ؟ این آموزشها چه کمکی به شما کرد ؟

بله ، آموزش نظامی در سربازی و آموزش هم دیده ام تا دیپلم .این تجربه ها به من آموختند که در شرایط سخت ناامید نشوم و به تلاش خود ادامه دهم تا موفق شوم .اگر این آموزشها نبود ، شاید من موفق نمی شدم. و الان نیز در نزد شما نبودم .

آیا هنگام جوانی دارای یک کسب و کار مستقل بودید ؟

خیر ، من برای خودم کار نمی کردم و دستیار و شاگرد دیگران بودم و تا الان برای خودم کار نمی کردم .

برای ما بگوئید چگونه تصمیم گرفتید که به جای کار برای دیگران و برای خودتان کار کنید و یک کار مستقل را شروع کنید . کمی توضیح دهید .

یک عامل غرور و یک عامل داشتن در آمد بیشتر و آسایش و آرامش برای کار عامل هایی بودند تا به فکر شروع کردن یک کار مستقل مرا انداخت. و من در طول زندگی آرزوهایی داشتم که برآورده کردن آنها مرا به فکر کسب و کار مستقل انداخت.

آیا شریک داشتید یا به فکر شریک بودید ؟

در اول کار به دلیل بی تجربه بودن و درآمد کم و در بیشتر موارد نیاز به شریک است . ولی زمانی که کار روی روال عادی خود

می افتد ، نیاز به شریک است و رفتار من نیز طبق این عمل بود .

در پایان باز هم از شما سپاسگزاری می کنم و برایتان آرزوی موفقیت و سربلندی می کنم . امیدوارم در آینده جوانان جامعه ما بتوانند برای خود و دیگران اشتغال زایی کنند . انشاءا... که مشکل بیکاری روز به روز در جامعه ما حل شود و جوانان ما بتوانند مستقل باشند و از بی کاری نترسند .